

# فابل‌های توفیق

Towfigh's Fables

دکتر عباس توفیق

Abbas Towfigh, Ph.D



انتشارات فروزید

## فهرست

- پیش گفتار ..... ۱۱  
البته به تشخیص! ..... ۳۳  
گفتاری دیگر درباره‌ی «فابل» ..... ۳۵

### ۱. فابل‌های اوریزینال توفیق

- «درختان بزرگ می‌شکنند و خم نمی‌شوند» ..... ۳۹  
«نتیجه‌ی اخلاقی» ..... ۴۲  
پس این‌ها کجا بودند؟ ..... ۴۴  
چه کسی مغز خر خورده بود؟ ..... ۴۶  
اولی و... دومی ..... ۴۸  
رودخانه و دریاچه ..... ۴۹  
دانه‌ی ترسو ..... ۵۰  
صدف و مرغ ..... ۵۱  
پادشاهی که «روانشناس اجتماعی» بود ..... ۵۲  
چرا ماهی‌ها لال شدند؟ ..... ۵۴  
پرنده و قفس ..... ۵۶  
مرغ مینا و سگ ولگرد ..... ۵۷  
رودخانه و صخره ..... ۵۸  
سنگ صبور ..... ۶۰  
مسی که دلش می‌خواست طلا بشه ..... ۶۱

- ۱۱۲..... «لوکوموتیو» متظاهر.....
- ۱۱۵..... چوپان پیر... و پسرهایش.....
- ۱۱۷..... صداقت.....
- ۱۱۹..... نیمکت‌ها.....
- ۱۲۱..... باغ گل کاغذی.....
- ۱۲۴..... روابط دولت - ملت!
- ۱۲۸..... مشتری و خیاطه!
- ۱۲۹..... آینه‌ها.....
- ۱۳۰..... رودخانه‌ی پیر و جویبار جوان.....
- ۱۳۱..... مناظره‌ی بوته‌ی تیغ و درخت میوه‌ی سایه‌افکن.....
- ۱۳۲..... «آ»ی باکلاه و «ا» بی‌کلاه.....
- ۱۳۳..... لیوان‌ها!.....
- ۱۳۴..... «قضیه‌ی حمار».....
- ۱۳۵..... چرخ، فلک و روزگار.....
- ۱۳۶..... گربه‌ی باخدا!.....
- ۱۳۸..... فراق ابدی.....
- ۱۳۹..... مناظره‌ی درخت میوه، گل سرخ و خارخاسک.....
- ۱۴۰..... جواب سرکاری!
- ۱۴۱..... جوجه‌ی نومید.....
- ۱۴۳..... پادشاه کوتوله.....
- ۱۴۵..... الحمدلله...!.....
- ۱۴۶..... جناب آقای وزیر.....
- ۱۴۹..... قلوه‌سنگ و تخته‌سنگ.....
- ۱۵۰..... راه... و چاه.....

## ۲. فابل‌هایی که ریشه در فولکلور ایران دارند

- ۱۵۵..... «غم‌خوار محنت دیگران».....
- ۱۵۷..... قصه‌ی اخلاقی «کک به تنور».....
- ۱۶۶..... عاقبت خدای احمق‌ها.....
- ۱۶۷..... نوکران قدرت.....

- ۶۳..... دلیل «بزرگی».....
- ۶۴..... دموکراسی گرگ‌ها!
- ۶۷..... گربه و بچه‌اش.....
- ۶۸..... دانه‌های برف.....
- ۶۹..... در کجا حق با قوی است؟.....
- ۷۰..... ارزش یک ساعت فکر کردن.....
- ۷۳..... لباس زرین.....
- ۷۴..... گوساله‌ای که خیر سرش بزرگ شد!
- ۷۶..... کلاغ... و بلبل.....
- ۷۸..... قانون‌گذاران... و قانون‌پذیران!
- ۸۱..... خاک را چه کار باید کرد؟.....
- ۸۲..... گربه‌های درویش‌صفت.....
- ۸۴..... نخستین حرف‌نشستو.....
- ۸۵..... از چاله به چاه.....
- ۸۶..... یکی بود، یکی نبود، غیر از خدا هیچ‌کس نبود!
- ۸۷..... دریا... و کوه.....
- ۸۹..... عجب دنیای عجیبی است!.....
- ۹۰..... آگاهی‌دهندگان ناشی.....
- ۹۲..... باد و کوه.....
- ۹۳..... بچه‌پرورها!.....
- ۹۴..... سوزنی که ترقی کرد.....
- ۹۵..... آدم و حوا کجایی بودند؟.....
- ۹۶..... خوش‌خدمتان.....
- ۹۹..... رودخانه‌ی حقیقت.....
- ۱۰۰..... مداد و مدادتراش.....
- ۱۰۲..... قصه‌ی «صفر» و «بی‌نهایت».....
- ۱۰۴..... قدرت مار در کجاست؟.....
- ۱۰۷..... از تولید... به مصرف!
- ۱۰۸..... مترسک... و کلاغ‌ها.....
- ۱۱۰..... چشم‌ها.....
- ۱۱۱..... ملا، داروغه، گدا و دزد!

- ۱۶۸..... قصه‌ی زنجیر عدل «نوشیروان عادل»!
- ۱۷۲..... رودخانه... و سر بریده.....
- ۱۷۳..... داستان «بنویس ما رو بکش مار!».....
- ۱۷۴..... آرزو.....
- ۱۷۵..... سفید چیست؟!.....
- ۱۷۶..... ما اول باید چه کار بکنیم؟.....
- ۱۷۸..... روباهه و خروسه.....
- ۱۸۰..... بچه کلاغه و باباش.....
- ۱۸۱..... اُ، دیدم! اُ، دیدم!.....
- ۱۸۲..... همکاری اجتماعی.....
- ۱۸۳..... قصه‌ی حاج مهم‌تقی... و حاج خانوم.....
- ۱۸۵..... قطره‌ی باران و دریا.....
- ۱۸۶..... ملا و خرش.....
- ۱۸۸..... عاقبت زنی که هزاران سال پیش گفت "Equal right".....
- ۱۸۹..... چرا قورباغه‌ها قورقورو شدند؟.....
- ۱۹۰..... خر و دهقان.....
- ۱۹۳..... سگ‌ها و گرگ‌ها.....
- ۱۹۵..... رند... و خدا.....
- ۱۹۶..... علم بهتر است یا ثروت؟.....
- ۱۹۷..... پینه‌دوزها.....
- ۱۹۸..... مناظره‌ی کک و شپش!.....

### ۳. فابل‌هایی که ریشه در فولکلور جهان دارند

- ۲۰۱..... کفش‌های گلی.....
- ۲۰۲..... حاتم طایی... و باران.....
- ۲۰۴..... سلطان جنگل کیست؟.....
- ۲۰۶..... قصه‌ی گنجشکه... و دهاتیه.....
- ۲۰۹..... یافتیم! یافتیم!.....
- ۲۱۰..... انتخاب دوست.....
- ۲۱۱..... مسابقه‌ی دو.....
- ۲۱۲..... مبارزه با سیل.....

- ۲۱۳..... بزرگ‌ترین قفل... کوچک‌ترین کلید.....
- ۲۱۴..... درخت حقیقت و بوته‌ی شایعه.....
- ۲۱۵..... خورشید برای چه بالا می‌آید؟.....
- ۲۱۶..... میسیونرها!.....
- ۲۱۷..... چرا نوای نی سوزناک و عاشقانه شد؟.....

### ۴. در اقتضای فابل‌های «ایزوپ»، «لافونتن»، «سعدی»، «عبید» و دیگران

- ۲۲۳..... شنیدم گوسفندی را بزرگی.....
- ۲۲۴..... قصه‌ی گرگ و بره.....
- ۲۲۶..... اژدهای هفت‌سر!.....
- ۲۲۸..... دیگه عرضی ندارم!.....
- ۲۳۰..... قصه‌ی لک‌لک و روباه.....
- ۲۳۲..... کلاغ اهل مطالعه!.....
- ۲۳۴..... عُمَرِ باعزت.....
- ۲۳۵..... روباه عاقل.....
- ۲۳۷..... حاکم... و ببر.....
- ۲۳۸..... قصه‌ی خرس و بره!.....
- ۲۴۲..... «انتقاد»... و «مدح».....
- ۲۴۴..... قزوینی در نبرد با شیر!.....



فابل (FABLE) از ریشه‌ی لغوی لاتینی FABULA به معنی «واگویی» و «حکایت کردن» قصه‌ی کوتاه و ساده‌ای است که شخصیت‌های آن بیشتر حیوانات، سپس آدمیان و اخیراً اشیاء هستند.

فابل یکی از «انواع» (یا به قول نویسندگان فخر فروش: یکی از «ژانر» های) ادبیات است.

کارکرد فابل، زیر پوشش تفریح و سرگرمی، انتقاد غیر مستقیم از عیب‌ها و ضعف‌های مختلف اخلاقی انسان‌هاست و مسخره کردن زیرکانه‌ی نامردمی‌ها، تزویرها، ریاکاری‌ها، دورویی‌ها، نادرستی‌ها، آزمندی‌ها، ستمگری‌ها، فریبکاری‌ها، زورگویی‌ها، خودفریبی‌ها، کله‌شقی‌ها و ابله‌ی‌ها.

عملکرد دیگر فابل آموزش تجربیات زندگی و تحسین هوشمندی، زیرکی، موقع‌شناسی، مهربانی، همیاری و دادن پند و اندرز است.

مضامین فابل بسیار متنوع است، از رزائل گرفته تا فضائل اخلاقی و اجتماعی.